

رازهای دنیا و آخرت

مجید نجفیان

تقدیر و تحسین

سرویدار سالار شهیدان امام حسین (ع) و یاران باوفایش

www.KitaboSunnat.com

فهرست مطالب

۷		مقدمه
۹		بخش اول؛
۹		استدلال قرآن بر معاد
۱۱		معاد در قرآن
۱۱		انکار معاد بی دلیل است
۱۳		پدیده‌های مشابه معاد
۲۹		بخش دوم: «دنیا»
۳۵		بخش سوم: «آخرت»
۳۸		بخش چهارم: «عمر»
۴۰		بخش پنجم: «مرگ»
۴۶		بخش ششم: «سعادت»
۵۰		بخش هفتم: «شقاوت»
۵۹		بخش هشتم: «قیامت»
۳		پی‌نوشت‌ها
۶۵		منابع

بحث ما درباره مساله معاد است - مساله معاد از نظر اهمیت بعد از مساله توحید مهمترین مساله دینی و اسلامی است . پیغمبران (و بخصوص آنچه از قرآن درباره پیغمبر ما استفاده می شود) آمده اند برای اینکه مردم را به این دو حقیقت مومن و معتقد کنند :

یکی به خدا (ما انا) و دیگر به قیامت و فعلا - به

اصطلاح مبسوط ما - معاد

- مساله معاد چنان است که برای یک مسلمان ایمان به آن لازم

است ؛ یعنی چه؟

یعنی در ردیف مسائلی نیست که محض ضروریات اسلام است ایمان به پیغمبر ضروری است، پس ایمان به آن هم به تبع ایمان به پیغمبر ضروری است. ما بعضی چیزها داریم که باید به آنها معتقد بود به این معنا که اعتقاد به آنها از اعتقاد به پیغمبر منفک نیست. مساله معاد قیامت مثل روزه از ضروریات اسلام است (یعنی نمی شود کسی معتقد به پیغمبر باشد ولی منکر معاد باشد) در تعبیرات قرآن کامه ایمان به قیامت ایمان به خدا آخر آمده است؛ یعنی پیغمبر مساله معاد را به عنوان یک چیزی عرضه کرده است که مردم همان طوری که به خدا ایمان و اعتقاد پیدا کنند به آخرت هم باید ایمان و اعتقاد پیدا کنند، که معنی آن این می شود که همین طوری که خداشناسی لازم است (یعنی انسان در یک حدی

مستقلا با فکر خودش باید خدا را بشناسد) در مساله معاد نیز انسان

باید معاد شناس باشد؛ یعنی پیغمبر که در مساله معاد بگوید چون من می گویم معادی هست شما هم بگویید معادی هست مثل اینکه من گفتم روزه واجب است و شما هم بگویید روزه واجب است . نه، ضمناً افکار را هدایت و رهبری و دعوت کرده که معاد را بشناسد، معرفت و ایمان به معاد پیدا کنند.

- علت اینکه مسلمین معاد را جزء اصول دین قرار داده اند این بوده که اسلام درباره معاد یک امر علاوه ای از ما خواسته؛ یعنی نخواست ما عقاید را به عنوان یکی از ضروریات اسلام به طفیل قبول نبوت

قبول کرده باشیم خواسته که خود ما هم مستقلاً به آن ایمان و اعتقاد داشته باشیم و مثلاً به نبوت اعتقاد نداشته باشیم، به معاد اعتقاد نداشته باشیم .

این که «ولو» می گویند اینست که از آن صرف نظر می کنیم می خواهیم بگویم یک مساله ای است که خواسته ما مستقلاً به آن ایمان داشته باشیم و لهذا قرآن استدلال می کند بر قیامت؛ استدلال نمی کند بر روزه، می گوید روزه را پیغمبر گفته ولی استدلال می کند بر قیامت ، چه آن نو استدلالی که پایه آن خود توحید است و چه آن استدلالی که پایه آن نظام خلقت است .